



پامیر-واخان گذرگاه سوق الجیشی دنیای قدیم

نامزد پوهنیار بسم الله مسعود

دپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون بدخشان

Besmellahmasoudmasoud@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-0143-6776>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهاند عبدالرحیم رحمانی

دپارتمنت تاریخ پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل

Abdulrahimrahmani515@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0006-5068-3062>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

این تحقیق به بررسی جغرافیای تاریخی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازد که از گذشته‌های دور نقطه‌ی عطف توجه کشورهای همسایه را به خود داشته و تمرکز آن به نقش سازنده‌ی تاریخی و سیاست ژئوپولیتیکی آینده می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق تحلیل روند تاریخی و استراتژیک این منطقه‌ی اقتصادی و ترانزیتی می‌باشد که امکانات تاریخی را تحلیل نموده و راه کار بهتری برای زندگی بهتر کشور از این مسیر است. این تحقیق از نگاه هدف کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی می‌باشد و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌گردد. تمرکز اصلی تحقیق بر بررسی وضعیت تحقیقات باستانی و تاریخی در طول تاریخ ترانزیت این منطقه می‌باشد. با تاکید بر چالش‌ها و راه کارها است که از طریق مطالعات اسنادی و مصاحبه‌های علمی گردآوری می‌شود. نیز تحلیل مقایسه‌ی برای ارزیابی تغییرات و تحولات این حوزه از دید شرکای اقتصادی و استراتژیک و منطقه‌ای نیز خواهیم داشت. نتایج متوقعه این تحقیق می‌تواند در شناسایی خلاهای تحقیقی این ساحه، بهبود سیاست گذاری‌های فرهنگی، تقویت برنامه‌های حفاظتی و تدوین راهبردهای موثر برای توسعه‌ی تحقیقات تاریخی و تحلیلی واخان بدخشان افغانسان مورد استفاده قرارگیرد و زمینه را برای تحقیقات در آینده و تصمیم‌گیری‌های علمی و استراتژیک اجرایی مهیا شود. هدف این تحقیق شناسایی و ارزیابی چالش‌ها و موانع مؤثر بر تحقیقات تاریخی و استراتژیک، از جمله ناامنی، کمبود منابع مالی و تخنیکی، ضعف نیروی متخصص و تخریب ساحات باستانی.

کلید واژه‌ها: استراتژیک، راه ابریشم، کریدور، لاجورد و واخان.

Pamir–Wakhan: The Strategic Corridor of the Ancient World

Author * **Besmellah Massoud**
Email History, Social Science, Badakhshan University
Orcid Besmellahmasoudmasoud@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0001-0143-6776>

Author **Abdulrahim Rahmani**
Email Department of History, Faculty of Social Sciences, Kabul University
Orcid Abdulrahimrahmani515@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0006-5068-3062>

Abstract

This study examines the historical, economic, and political geography of a region that, since ancient times, has been a focal point of attention for neighboring countries. It also focuses on its constructive historical role and future geopolitical significance. The main objective of this research is to analyze the historical and strategic evolution of this economic and transit region, to evaluate its historical capacities, and to propose better pathways for improving the country's living conditions through this route.

In terms of purpose, this research is applied, and in terms of nature, it is qualitative. It is conducted using a descriptive–analytical method. The primary focus of the study is to investigate the status of archaeological and historical research throughout the history of transit in this region, with an emphasis on challenges and solutions, which are gathered through document analysis and scientific interviews. Additionally, a comparative analysis will be conducted to evaluate changes and developments in this field from the perspectives of economic, strategic, and regional partners. The expected results of this study can help identify research gaps in this area, improve cultural policymaking, strengthen conservation programs, and formulate effective strategies for the development of historical and analytical research in the Wakhan region of Badakhshan, Afghanistan. It will also provide a foundation for future research and support scientific and strategic decision-making.

Keywords: Strategic, Silk Road, Corridor, Lapis Lazuli, Wakhan.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، نحمده ونستعینه ونستغفره، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، وأنّ محمداً عبده ورسوله. اللهم صلّ وسلّم وبارک علی سیدنا محمد، وعلی آله وصحبه أجمعین، ومن تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین.

واخان یک نوار باریک در رشته کوه‌های پامیر و در خاک افغانستان است که با کشورهای چین، پاکستان، افغانستان و تاجکستان مرز مشترک دارند. کریدور واخان از شمال شرق از سرزمین اصلی افغانستان به مرز چین منتهی می‌شود. طول این نوار ۳۵۰ کیلومتر و عرض آن تا ۱۳ کیلومتر است. مساحت کل این نوار ۱۰۳۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت ساکن آن بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر است. تاریخ مکتوب شکل‌گیری کریدور واخان با نوشته‌ی هیوان تسانگ، زایر چینی، ارتباط دارد. اولین کسی است که از واخان در نوشته‌های خود ذکر می‌کند. مارکوپولو، سیاح ایتالیایی، نیز در قرن سیزدهم از آن عبور کرده و خود را به چین رسانده بود. از مسیر تاریخی، این منطقه توسط سلسله‌ی میرهای محلی بدخشان تا سال ۱۸۸۳ اداره می‌شد. کریدور واخان در یک نقطه، فاصله بین پاکستان و آسیای مرکزی را به ۱۳ کیلومتر کاهش می‌دهد. این کریدور پتانسیل اقتصادی و استراتژیک عظیمی برای پاکستان، چین و افغانستان دارد. این مسیر به عنوان یک راه مهم ترانزیتی معجزه ایجاد می‌کند، هزاران شغل ایجاد می‌کند، می‌تواند درآمد فراوانی داشته باشد و مهم‌تر از همه، با توسعه‌ی زیرساخت‌ها، جنبه‌های مختلف ثروت پنهان مرتبط با کریدور واخان که می‌تواند تحول اقتصادی، تجاری، اجتماعی و استراتژیک برای افغانستان و کشورهای منطقه ایجاد کند، افغانستان و چین در سال ۲۰۰۹ تفاهم‌نامه‌ای را برای ساخت جاده‌ای از طریق گذرگاه واخجیر از کریدور واخان امضا کردند که آن را به بزرگراه قراقرم متصل می‌کند تا وظیفه‌ی تاریخی، تمدنی گذشته را در چارچوب مرادفات تجارتی مدرن مهیا سازد.

بنابراین امنیت منابع انرژی افزایش می‌یابد و در عین حال به نفع اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی است.

تبیین مسأله

با وجود پیشینه‌ی تاریخی غنی و جایگاه مهم جاده‌ی ابریشم در واخان بدخشان و مطالعات ژئوپولیتیکی منطقه، تحقیقات و تحلیل‌های گسترده‌ی تاریخی و استراتژیکی در سال‌های اخیر با وضعیت نامتوازن و پراکنده‌ای مواجه بوده است. هرچند در این دوره‌ی زمانی تحقیقات، تحلیل‌ها و مستندسازی‌هایی انجام شده، اما این فعالیت‌ها اغلب فاقد یک چارچوب منسجم تحلیلی بوده و کمتر به صورت جامع مورد ارزیابی علمی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، تصویر روشنی از میزان

پیشرفت‌ها، اثربخشی راه کارهای به کاررفته و عمق چالش‌های موجود در این حوزه در دسترس نیست.

مسئله‌ی اساسی این تحقیق آن است که علی‌رغم انجام برخی فعالیت‌های علمی در این دهه‌های اخیر، فقدان یک بررسی تحلیلی و نظام‌مند سبب شده تا دستاوردها، محدودیت‌ها و مشکلات ساختاری این تحقیقات به‌درستی شناسایی و مستندسازی نگردد. چالش‌های مانند ناامنی، کمبود منابع مالی و تکنیکی، ضعف ظرفیت‌های علمی و نهادی، تخریب جاده‌ی تاریخی ابریشم، و محدود بودن دسترسی به معلومات و نتایج تحقیقی، روند تولید و گسترش راه‌های اقتصادی را با مانع مواجه ساخته است.

از این رو، ضرورت انجام این تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که بدون شناخت دقیق مسئله، امکان برنامه‌ریزی مؤثر برای توسعه‌ی تحقیقات علمی و حفاظت از میراث فرهنگی و اقتصادی این ناحیه‌ی کشور فراهم نخواهد شد. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش محوری است که چرا و چگونه ما از راه ارتباطی و تمدنی لاجورد در مراودات قافله‌ی تمدنی امروز خود استفاده کنیم و چه راه کارهایی می‌تواند به بهبود وضعیت موجود کمک نماید. تبیین این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌ی علمی و اجرایی و ارتقای سطح دانش و آگاهی در حوزه‌ی تاریخی افغانستان گردد.

اهمیت تحقیق

این تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که با بررسی منسجم و پر کردن خلأ تحقیقی، میان شکاف موجود میان مطالعات تاریخی منطقه و تحلیل‌های ژئوپلیتیک معاصر را تکمیل می‌کند و نگاهی میان‌رشته‌ای مانند تاریخ، جغرافیای سیاسی، اقتصاد و روابط بین‌الملل دارد. با وجود انجام کاوش‌ها و تحقیقات پراکنده، تاکنون مطالعه‌ی جامع که به‌طور هم‌زمان راه کارها، چالش‌ها و دست‌آوردهایی که این دوره را تحلیل کند، کمتر صورت گرفته است. از این رو، این تحقیق می‌تواند در تکمیل و غنای دانش موجود نقش مؤثر ایفا نماید.

اهمیت این تحقیق برای جامعه‌ی علمی، به‌ویژه محققین، استادان و محصلان رشته‌های باستان‌شناسی، تاریخ و مطالعات فرهنگی، بر آن است که تصویری روشن و مستند از وضعیت واقعی تحقیقات استراتژیک برای امنیت منطقه به توجه به تحولات افغانستان و نگرانی‌ها از ناامنی در آسیای مرکزی، شناخت دقیق وضعیت واخان به‌عنوان منطقه‌ی حایل و مرزی برای کشورهای همسایه حیاتی است. هم‌چنان نتایج این تحقیق می‌تواند برای نهادهای دولتی، سازمان‌های فرهنگی و تصمیم‌گیرندگان بخش میراث فرهنگی به‌عنوان یک منبع تحلیلی معتبر مورد استفاده قرار گیرد و در تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اولویت‌بندی فعالیت‌های حفاظتی و تحقیقی مؤثر واقع شود.

از منظر اجتماعی و فرهنگی، این تحقیق می‌تواند با برجسته‌سازی چالش‌ها و فرصت‌های موجود، به افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت راه باستانی ابریشم و ضرورت حفاظت از آن کمک کند. همچنین، ارائه‌ی راه کارهای علمی و عملی مبتنی بر یافته‌های تحقیقی، می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات ساختاری، ایجاد فرصت‌های جدید تحقیقی و تقویت همکاری‌های ملی و بین‌المللی در عرصه‌ی تاریخ و روابط بین‌الملل گردد. در مجموع، این تحقیق نه تنها به ارتقای سطح دانش تخصصی می‌انجامد، بل که می‌تواند در حفظ هویت فرهنگی و توسعه‌ی پایدار کشور نیز نقش مؤثری ایفا نماید.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: آیا نشانه‌های موجود است که واخان زمانی اتصال‌دهنده‌ی فرهنگ‌ها و مدنیت‌های قدیم بوده است؟

پرسش‌های فرعی

۱. آیا احیای کریدور ترانس واخان از طریق چین-افغانستان-تاجکستان از نظر سیاسی و اقتصادی عملی است؟

۲. آیا دهلیز واخان در طول تاریخ یک مانع جغرافیایی و یا هم‌پل ارتباطی کلیدی میان تمدن‌های آریانا، هندی، چینی و آسیای مرکزی بوده است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی و تحلیل جامع منطقه‌ی واخان بدخشان و پس‌منظر تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی آن با تمرکز بر شناسایی راه کارهای اتخاذشده و چالش‌های اساسی، به منظور بهبود روند تحقیقات علمی و حفاظت از میراث تاریخی کشور.

اهداف فرعی

۱. بررسی وضعیت کلی و روند تحول تاریخی و فرهنگی افغانستان در بازه‌ی زمانی گذشته؛

۲. تحلیل راه کارهای علمی، مدیریتی و نهادی به کاررفته در توسعه‌ی تحقیقات منطقه‌ای؛

۳. بررسی نقش همکاری‌های ملی و بین‌المللی در پیشبرد تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی افغانستان؛

۴. ارائه‌ی پیشنهادها و کاربردی و واقع‌بینانه برای تقویت و بهبود تحقیقات ساحات استراتژیکی افغانستان در آینده.

پیشینه‌ی تحقیق

عمده‌ترین سند تاریخی ویژه‌ی بدخشان و منطقه‌ی بااهمیت دهلیز واخان که از گذشته‌های دور به این ساحه‌ی استراتژیکی اشارت دارد، قرار ذیل است.

۱. تتمه‌ی تاریخ بدخشان، تألیف میرزا فاضل (فضل علی بیک) سرخ‌افسر، مربوط به سال ۱۳۲۵ هجری در شهر اوش قرغیزستان می‌باشد که صرف وقایع مربوط دوران حاکمیت خانواده‌ی میریاریک (۱۶۷۶-۱۰۵۵ م) تا استیلای امیر عبدالرحمن خان را در پایان قرن نوزدهم (۱۸۸۰) در بر می‌گیرد.

۲. کتاب ارمغان بدخشان، تألیف شاه عبدالله یمگی بدخشی، حاوی معلومات‌های مختصری در باب تذکره‌ی شاعران بدخشان و پاره‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به دوره‌های زندگی این شاعران در دسترس قرار دارد.

۳. کتاب قربان‌الدین علامشویف در تحقیق خود در مورد میراث فرهنگی و علوم انسانی نوروز در واخان افغانستان، در سال ۲۰۱۵ میلادی، تصویر زنده‌ای از آیین‌های جشنی را در یکی از اصیل‌ترین گوشه‌های آریانا و بدخشان به تصویر می‌کشد؛

۴. از سوی دیگر، تحقیقاتی که دولت محمد جوشن در مورد فرهنگ عامیانه‌ی پامیر بدخشان، وثیقه‌ی سنت‌های برجا مانده‌ی آریان‌های کهن و امانت تاریخی نیاکان ما، به رشته‌ی تحریر در آورده است.

۵. گزارش‌های یونسکو درباره‌ی منطقه‌ی واخان بیش‌تر بر اهمیت طبیعی، فرهنگی و حفاظت از این ناحیه تمرکز دارند. نکات اصلی این گزارش درباره‌ی تنوع زیستی و طبیعت بکر، فرهنگ و جوامع محلی، پارک ملی، توسعه‌ی پایدار، چالش‌ها و غیره را مورد بحث قرار می‌دهد؛

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و کیفی می‌باشد و هدف آن شناسایی و تحلیل وضعیت تحقیقات افغانستان‌شناسی و نقطه‌ی حاکم آن (واخان-بدخشان افغانستان)، شامل راه کارها و چالش‌ها است. جمعیت مورد مطالعه: جمعیت تحقیق شامل محققین، استادان، کارشناسان میراث فرهنگی و مسئولان نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با تاریخ و فرهنگ واخان در افغانستان می‌باشد. نمونه‌ها به روش هدفمند انتخاب خواهند شد تا افرادی در مصاحبه شرکت کنند که تجربه و دانش کافی در حوزه‌ی شناخت تاریخ، فرهنگ واخان و تحقیقات مرتبط داشته باشند.

نتایج و یافته‌ها

ایریناویجه (پامیر-واخان) نخستین مکان زندگی آریایی‌ها: این اسم مرکب از دوکلمه است، یکی «ایریا» و دیگری «ویجه». ایریا همان کلمه «آریا» است. آریا از نقطه نظر دیانت به معنی پرستنده معتقد، قربانی دهنده آمده و مفهوم اصطلاحی اولیه و قدیم آن نجیب، شریف، بادر، آقا، مالک و اختیاردار است و با کثرت استعمال در موارد مختلف یک عده صفات دیگر از قبیل جوانمردی، مهمان نوازی، رشادت، دلاوری، وطن دوستی، جنگجویی و... و غیره می‌باشد.

«ویجه» کلمه‌ای است که عوض «ورته» یا «ورشه» بیان آمده و در معنی با کلمه اول الذکر فرق ندارد، زیرا «ویجه» هم مسکن و جای معنی دارد و معنی مرکب «ایرانا ویجه» مانند «آریا ورته» مسکن آریا می‌شود (کهزاد، ۱۳۹۴ ص ۴۳).

اوستا سرزمین «ایراناویجه» را کنار رودخانه «وانگوهی دیتیا» قرار می‌دهد و این رودخانه عبارت از آمودریاست. که سرمنشا آمو دریا از بلندای پامیر و اخان سرچشمه می‌گیرد. «سرپرسی سایکس» در تاریخ افغانستان می‌نویسد که «اران وج Eranyej» خانه اصلی آریایی بین رودخانه اکسوس و ابگزرت واقع بود پس گفته می‌توانیم که آریانا ویجه متذکره اوستا علاوه بر اینکه یادی از خاطره قدیم مهد اقوام هندواروپایی می‌دهد با کمیزات مخصوص اوستایی خود، قطعه زمین نسبتاً سردی است بین سرچشمه سیردریا و آمودریا که با مفهوم وسیع گوشه‌ای از بدخشان را هم در بر می‌گیرد که عبارت است از منطقه و اخان بدخشان که افاده کننده مکان قدیمی و نخست قوم آریایی‌ها بوده است.

آریایی‌ها در حوالی دوهزار ق.م از باختر، چه در اثر تراکم تعداد نفوش، چه به واسطه تنگی جای بنای جنبش و حرکت را در باختر گذاشته و به تدریج چه در صفحات شمال و چه در دره‌ها و مناطق جنوب هندوکش پراکنده شدند. از سرود ویدی چنین استنباط می‌شود که قبایل ویدی از دره‌های هندوکش کاپیسا یعنی حوزه کوه‌های پایان شده و از این جا تقریباً راه‌های طبیعی مجرای رودخانه‌ها پیش گرفته به طرف مناطق شرقی و جنوبی و جنوب غرب منتشر شده‌اند.

آریاهایی که در بدخشان علیا و دره‌های نورستان اقامت دارند به نام تیپ «هوموالینوس» یا تیپ کوهستانی یاد می‌شوند و در مورد آن‌ها اصطلاح آریای‌های کوهستانی خوب‌تر تطبیق می‌شود. از روی اوستا این طور معلوم می‌شود که آریاها بعد از حرکت از «ایرانا ویجه» به سغدیان و مرو منتشر شده و بعد به سواحل چپ اکسوس به بخدی متوطن شدن، و از پنجاب موجی به طرف صفحات غربی در نیسیا (میمنه و اندخوی) و حوزه سفلی مرغاب منتشر شده. این مهاجرت‌ها و جابه‌جاشدن‌های آن‌ها را عموماً بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۴۰۰ ق.م قرار می‌دهند. (کهزاد، ۱۳۹۴ ص ۴۵).

حیات اجتماعی حوزه اکسوس و شمال هندوکش (ایراناویجه): از روی اشارات سرود معلوم ویدی و روشنی اوستا که نظام اجتماعی آریایی‌ها در شمال هندوکش خیلی انبساط یافته بود. آریایی‌ها بعد از اینکه از آریاناویجه از راه سغد به بخدی رسیدن و اینجا را کانون تهذیب خویش قرار دادند. اقلاً از هشت هزار یا پنج هزار سال ق.م تا دو هزار ق.م که شروع عصر مهاجرت است.

طولانی بودن دوره اقامت آریایی‌ها در حوزه اکسوس و ترقی مراتب حیات اجتماعی آن‌ها از روی اشتراک ثقافت مادی و معنوی آریایی‌های آریانا و مهاجرینی که هندو فارس رفته و از روی اشتراک

وتشابه زبان ودیانت و غیره به خوبی معلوم می شود، زیرا اگر جامعه باختری در زمان پیش از مهاجرت ابتدای می بود و مردم دور از هم بدون خانواده و مجزی زیست می نمودند. چطور اشتراک زبان و دیانت و دیگر مظاهر زندگانی به میان می آمد؟ به این دلیل به جرعت می توان گفت که جامعه آریایی باختری که اساس اولیه آن به روی خانواده گذاشته شده بود بعد از طی مراحل زندگانی مالداري و انبساط کشت و زراعت و اقتضای حیات زراعتی و ترقی مراتب آن جامعه بزرگ و مترکمی به میان آمد و نظام سلطنتی آریایی بار اول در این جا یعنی اطراف کوه های واخان تشکیل گردید (کهزاد، ۱۳۹۴ ص ۱۰۰). « اندرا » رب النوع جنگ بزرگترین خدای آریایی ها بوده که پادشاهان آریایی قرار سرودهای ریگ وید و اوستا احفاد و جانشین ارباب انواع بودند، که می توان گفت که اولین نظام شاهی در باختر به میان آمده است. قرار تحقیقاتی که در سال ۱۹۳۹ میلادی در شمال اکسوس - کناردریای آمو یا رود پنج در « تلی برزو » نزدیک سمرقند فعلی به عمل آمده، تصاویر هیکلی روی ظروف گلی پیدا شده که نصف پایان بدن آن شکل گاو و روی و سر آن به شکل انسان است و علمای روسی می گویند که « گوپت Gopat » یا « گوپت شاه » را تصویر می کند که در حوزه اکسوس سغد و باختر و در بعض نقاط آسیای مرکزی داستانهای او معمول بوده و تصاویر او را می ساختند (ترور، ۱۹۴۰ ص ۷۱). پس از گوپت که آن را علمای روسی « پادشاه شبان » تعریف کرده اند و تصاویر او روی ظروف گلی و روی یک مدال تیکری از سواحل راست اکسوس از سغدیان پیدا شده و حتماً در صفحات باختر هم پیدا خواهد شد، اشاره به تشکیلات سلطنتی آریایی در حوزه اکسوس به عصری می کند که حیات آریایی کثله باختری بیش تر شکل مالداري به خود داشت (دارمستر، ۱۸۹۵ ص ۲۰).

یکی از مسایل ترقی که حیات اجتماعی آریایی باختری و تراکم نفوس را در صفحات شمال هندوکش ثابت می سازد، موضوع مهاجرت است که در حوالی (۱۹۹۰ - ۳۰۰۰ ق.م) آغاز می شود. اگر حیات در جامعه باختری ترقی نمی کرد، اراضی اطراف زراعتی و چراگاه ها مناطق واخان و هندوکش محدود نمی شد، چرا آریایی ها بی جهت تن به مسافرت از هندوکش و پامیر به مهاجرت می دادند. این موضوع به وضاحت نشان می دهد که حیات اجتماعی آریایی های باختر قبل از عصر مهاجرت به منتهای ترقی و انبساط رسیده بود. (کهزاد، ۱۳۹۴ ص ۱۰۲).

راه های ارتباطی: بدخشان و ساحات استراتژیک واخان و نواحی آن این ولایت با کشورهای (پاکستان، جامو و کشمیر آزاد، جمهوری مردم چین و تاجکستان) که یگانه جغرافیای یک ولایت محسوب می شود که با چهار کشور سرحد مشترک دارد. بدخشان با واخان تاریخی خود با ولایات نورستان و پنجشیر در جنوب، و تخار در غرب هم سرحد دارد. بدخشان از طریق کوتل « شاه سلیم » و « بروجیل » با چترال در پاکستان از طریق شغان و اشکاشک، واخان و پامیر با ایالت خودمختار

بدخشان کوهی در تاجیکستان هم سرحد است. همین‌طور از طریق دره‌ها و کوه‌های صعب العبور در جنوب با نورستان و از طریق اسکاژر در کران و منجان با کوتل انجمن ولایت پنجشیر راههای مواصلاتی دست ناخورده و طبیعی دارد (مرادی، ۱۳۹۰ ص ۶۶).

کوتل‌های معروف و اخان بدخشان: ضرب المثل وطنی که ما داریم: «کوه هرچند که بلند باشد بالای خود راه دارد» بنابراین راهای که از خمیدگی‌های کوه‌ها و ارتفاعات بلند می‌گذرد وادیه‌ها، حوزه‌ها و یا محیط‌های زندگی را باهم ارتباط می‌دهند، به نام کوتل‌ها و معبرها یاد می‌شود. مهمترین کوتل‌های بدخشان قرار ذیل است. کوتل ارشاد به ارتفاع ۵۴۰۰ متر، در بدخشان (واخان)، کوتل ارشد به ارتفاع ۴۸۹۵ متر، بین واخان - چترال، کوتل انجمن به ارتفاع ۳۶۰۰ متر، بین بدخشان - دره واخان - پنجشیر. کوتل اندمین به ارتفاع ۴۱۷۵ متر، در واخان - بدخشان. کوتل انوشاه به ارتفاع ۶۰۰۰ متر، در اطراف نواحی واخان بدخشان. کوتل اوچله‌لی به ارتفاع ۵۲۸۸ متر، بین واخان چترال. کوتل بروغیل به ارتفاع ۳۳۴۷ متر، در واخان - بدخشان. کوتل خواره بورت به ارتفاع ۵۹۰۹ متر، در واخان - بدخشان. کوتل کانخوان به ارتفاع ۵۱۵۸ متر، در بدخشان و ساحه واخان. کوتل گوت گزبه ارتفاع ۵۴۶۸ متر، در واخان - بدخشان. کوتل واخجیر به ارتفاع ۴۹۲۲ متر، در واخان - بدخشان. کوتل یولی به ارتفاع ۴۲۷۹ متر، بین پامیر - واخان و سنکیانگ. این کوتل‌ها و معبرهای مهم استراتژیک که در پهنای تاریخ نقش مهم بعنوان جاده ابریشم و پیوند رشته‌های فرهنگی و تجارتی را میان تمدن‌ها متصل نموده در اطراف و ابعاد واخان بدخشان قد افراشته است. (انصاری، ص ۱۱۲).

پامیرگذرگاه استراتژیک و سوق الجیشی در دنیای قدیم: یکی از دلایل که بدخشان را در منابع سابق تبارز داده شده است، همانا عبورجاده تجارتی ابریشم و لشکریان مهاجم بین آسیای شرقی و غربی از میان معبرکوهستانی شامخ و دره‌های عمیق پامیرمیباشد. اینکه باوجود اینهمه سنگستانهای صعب العبورچرا مسیرکاروانها ازین موقعیتهای پیچیده میگذشت، سوالیست که بایست پاسخ آن‌را با ملاحظه به عوارض فیزیکی و جغرافیایی پامیر - واخان و بدخشان دریافت. بقول منابع تاریخی و معاصر، آریانا در مرکز آسیا و افغانستان در قلب آریانا یا به اصطلاح قدیمیان (آریانا و یجه در مرکز آسیا و خوانیث در مرکزآریاناویجه) موقعیت دارد. از این رو از گذشته‌های دور قافله‌ها و کاروانیان تجارتی و جهانگشایان شرق و غرب درجستوی دریافت کوتاه‌ترین راه عبوری ازکشورهای چین و جنوبشرق آسیا به ایران و کشورهای حوزه بابل (شرق میانه) و از آسیای میانه به هندوستان بوده اند. در دوسمت شرق و غرب بدخشان کشورهای متمدن چین و ایران قرارداشتند، ازینرومحموله‌های تجارتی وروابط فرهنگی و سیاسی دو کشورمیایست همیشه برقرارباشد. موجودیت کوه‌های صعب العبور تیانشان در شمال، کوه‌های خنکان کبیر درشرق و دشتهای وسیع و یخ بسته سایبریا در شمال که بواسطه پهناوری، سرمای سخت و سوزان، قلت جمعیت و عدم موجودیت آبادیها

در مسیر راه، هیچ وقت مورد توجه اقوام مهاجر آسیای شرقی و مرکزی قرار نگرفته، حتی تا اوایل قرن بیستم که خط آهن سرتاسری «بایکل آمور» در شرق اتحادشوری ازولادی واستواک تا مسکو تاسیس نگردیده بود، نیز چندان آباد و مسکون نبود و جالبیتی برای تردد و جلب مسیر کارو نهایی تجارتی نداشته است. (مرادی، ۱۳۹۰ ص ۷۰)

کوه‌های بلندی که منشأ گره گاه پامیر-واخان می‌باشد، اصلاً از تیان شان شروع می‌شوند، که از حوالی وادی زرافشان (سمرقند) تا بخشی از ترکستان چین امتداد دارند. در جنوب کوه‌های کوبین (کنلون). قراقرم و همالیا که همه بموازات یکدیگر در جهت شمال غربی به جنوب شرقی بین تبت و جلگه‌های سند و گنگ کشیده شده واز دره‌های بین آنها هر کدام رودباری جاریست. در قسمت غرب دورشته کوه از پامیر و اخان شروع می‌شود، یکی سلسله کوه‌های (هندوکش) و دنباله‌های آن چون کوه بابا، سفید کوه و سیاه کوه تا کوه‌های شمالی خراسان ایران و سلسله کوه سلیمان که در امتداد شط سند جهت جنوب را گرفته به بلوچستان و سواحل اقیانوس هند ختم می‌شود. با توجه به این موقعیت پیچده کوهی در شرق پامیر، راه‌های عمده ممالک اطراف بدخشان یعنی ترکستان، کاشغر، پنجاب و افغانستان حالیه و ایران به یکدیگر از طریق همین معابر جبال پامیر - واخان به وجود آمده است. چنانکه بعدها در ضمن شرح وقایع سیاسی نظامی خواهیم دید، عموم لشکرکشی‌های شاهان آشور، هخامنشی، یونانی و فرماندهان اسلام و دیگران به ترکستان (سینکیانگ چین، ختن و تورفان) واز آن‌جا به آسیای مرکزی، و هند از طریق همین معبر صعب العبور انجام گرفته است.

از آن‌چه پیرامون اوضاع جغرافیایی موقعیت سوق الجیشی پامیر و اخان بیان شد این نکته روشن می‌شود، که بخشی از طبیعت ماحول این منطقه را صحراها و ریگزارها تشکیل می‌دهد، و یا هم کوهستانهای مرتفع که در حاشیه آن‌ها و دامنه کوه‌های بلند پرآب و علف نواحی قابل سکونت بصورت محدودی تشکیل گردیده اند، که از زمانه‌های قدیم بر سر تصرف آن‌ها بین طوایف آریایی نژاد، یعنی متمدنین شهرنشین «آریایی» و چادر نشینان بیابانگرد «تورانی» و سایر رخدادهای تاریخی نزاع و جنگهای طولانی واقع شده و در نتیجه یکی از این دو غالب و یا مغلوب میشدند، که می‌توان مناطق نامبرده را ذیلآ رده بندی کرد:

۱- ناحیه بین جبال خنگان و یا بلیونی و آلتای و کوه‌های «سایان» Saian یعنی حوزه دریاچه بایکال و انهار سلنگاه Selenga و ارقون Argoun و گولون Keroulun و شعب و شاخچه‌های آبی آن‌ها.

۲- دامنه کوه‌های تیان شان و دره‌های بالایی دریای آمو (بدخشان) و سیحون (وادی زرافشان و خجند) و حوزه دریاچه‌های بالخاش و قره گول و ایسیکول و دره انهار ایل و جسو و قزل‌سو که بخش شمال غربی آن‌را در دوره قبل از مغول «ترکستان شرقی» و قسمت جنوب شرقی آن‌را «فرغانه» مینامند.

۳- مناطق بین تیانشان و کنلون (کوبلن) و نجد پامیری یعنی حوزه نهرتاریم و شعب آن مثل ختن دریا، یارکند، کاشغردریا و آقسوکه امروز ترکستان شرقی یا ترکستان چین خوانده می‌شود، ولی در نزد مسلمین بنام کاشغر و ختن معروف است.

۴- قسمت بین کوه‌های تیانشان و پامیروفلات ایران تا بحر خزری یعنی حوزه دریاچه آرال یا بحیره خوارزم و دره‌های وسطی و سفلی سیحون و جیحون مثل تخار، قندز، بلخ و زرافشان و سمرقند که در زمان هجوم مغولها دارای سه معبر بود و در مجموع بنام ماورالنهر یاد می‌شوند. علاوه بر سه معبر فوق در دامنه‌های سلسله جبال هندوکش معبرهای مهمی چون دره پنجشیر (کچکین)، سالنگ و غوربند به سمت بدخشان (پامیر در واخان) و تخارستان (اندراب) و بلخ منتهی می‌شوند، و نواحی دیگر در شمال دریای آمو مثل چغانیان (صغانیان)، بدخشان و پامیر شمالی موقعیت دارند که بدلیل محدودیت استفاده از آن‌ها در منابع تاریخی کمتر به چشم می‌خورند. (همان، ۱۹۳۳ص ۵)

دره‌های دشوارگذر شمال رود جیحون، که هرکدام رود‌های ازشاخه‌های فرعی و معاونین رود جیحون چون «کافرنهان»، «وخش»، «ورزاب»، «الماسی»، و «سیحون» را در خود دارند، در گذشته با نام ولایات «چغانیان»، «قبادیان» و «ختلان» شناخته می‌شدند. دره‌های که خاستگاه بعضی شاخه‌های فرعی رود سیحون و زرافشان و سغد بوده هستند، به ترتیب «فرغانه» و «زرافشان» و بخشی از «اُشروسنه» و «سغد» خوانده می‌شده اند. با یک نگاه کلی به نقشه‌های جغرافیای طبیعی و تاریخی منطقه دریافت می‌گردد، که رشته کوه‌های مورد بحث درین دره‌ها و وادیها، دنباله کوه‌های «تیانشان»، «تبت»، و «پامیر» می‌باشند، که از شمال غرب چین بسوی غرب پیش آمده، و در آن‌جا که جیحون به سمت شمال و دریاچه آرال می‌چرخد، سر در گوش آن مینهد. لذا همچون سد استوار رابطه «ورارود» و «زیرود» را قطع کرده و بویژه راه ارتباط نواحی بلخ، تخارستان و بدخشان و هند را با فرارود و بخشهای شمالی چین بریده و بسیار دور می‌کرده است. درین میانه تنها دره و بریدگی شگفتی وجود داشته که امکان عبور و مرور، و هم تجاوز و تسلط طرفین را نسبت بهم فراهم می‌کرده است. راه مزبور از ترمذ در شمال بلخ و ساحل راست جیحون آغاز می‌شده و بسوی دره یا ولایت چغانیان پیش میرفته است، و از آن دره شگفت و دروازه شگفت تر (آهنین) اش می‌گذشته و بعد به سمرقند و بخارا می‌رسیده است. بنابراین اهمیت سیاسی و تجاری گذرگاه مزبور، و بالطبع چغانیان بسیار بوده است. پس ولایت چغانیان، که غریب‌ترین ایالت پامیر جنوبی و دارای دو رود و شهرهای «چغانیان» و «ترمذ» و «هاشم جرد» (هاشمگرد) بوده است، ناحیه قبادیان و سپس ختل یا ختلان و بلاخره و خش و بدخشان بوده است (بارتولد، ۱۳۹۰ص ۱۷۵).

با این حال دیده می‌شود که معبر پامیر با وجود همه عوارض فزیک و دشواریها و پیچیده‌گی‌های جغرافیایی نسبت به مناطق کوهی همجوار خود توانسته است توجه سیاحان، بازرگانان، کاروانیان و

جهانگشایان را از روزگاریاستان تا کشف راههای بحری در قرن پانزدهم بخود جلب نماید. ازینرو تردد طولانی این کاروانها واستفاده مهاجمین و جهانگشایان از این مسیر طبیعتاً می تواند عوامل شکلگیری تمدنها، آمیزشهای اجتماعی وفرهنگی ومذهبی وپیدایش تمدن ویژه خود را با مشخصات زمانی آن دربندنه فرهنگ گشن بیخ وگسترده آریاییان وخراسانیان وافغانستان امروز به وجود آورد.

منابع اقتصادی واخان: منابع تاریخی پیش از دوره اسلامی وجغرافیا نویسان عرب وعجم در آغاز دوره اسلامی خراسان وتخارستان در مورد پیداور کشاورزی و دامداری در بدخشان ومآحول آن معلومات داده اند. در جغرافیای ابن حوقل در مورد لذت وارزشکای آب دریای آمو که از واخان وپامیرها سرچشمه می گیرد، بحیث عنصر اصلی ترویج وتوسعه اقتصادی زراعتی وشغل اساسی مردم وعمده پیداور زراعتی وباغی شهرهای تخارستان معلومات وجود دارد. مثلاً در بلخ، ترنج، ونارنج ونیشکر ونیلوفر(حدودالعالم) اشتران بختی بلخ شهرت جهانی داشت. ونظیر آن در منطقه وجود نداشت.

بدخشان اسپ وگوسفند واشتر وغله ومیوه های گوناگون، لعل ولاجورد ویاقوت (بشاری) معدن سیم وزر وبیجاده و لاجورد ومشک تبتی (حدودالعالم) احجار نفیسه برنگهای مختلف (ابن حوقل) ومعدن لاجورد وبلورست وسنگ پادزهر وسنگ فتیله که بدان چراغ افروزند(احسن التقاسیم). بدخشان نه فقط با معدنهای لاجورد ولعل بل که با داشتن کانهای فراوان دیگر از قبیل طلا، نقره، آهن، اسبیست، مس، بیجاده وسنگهای گوناگون گرانبهای دیگر مشهور بوده اند. طوریکه دیدیم همین ثروتهای زیرزمینی بدخشان را در دنیای باستان مورد توجه جهانگشایان قرارداده است. وسیاحان وجاسوسان از کشورهای مختلف برای بدست آوردن آیین ثروت ها با کسب معلومات برای دریافت منطقه معدنیات آنها باین سرزمین تاریخی در رفت وآمد بوده اند (بیرونی، ۱۹۷۳ ص ۷۶). از بدخشان بیجاده باریک (نازک) وسنگ لعل که گوهر نفیس داشته درحسن و رونق به یاقوت مانند است ورنگهای گلابی، رمانی(سرخ مانند به خون) ورنگ می دارند، به جاهای دیگر می برند، آن (بدخشان) اصل وطن لاجورد می باشد.

درکوه های آن کانهای معدنیات زیادی وجود دارند. به آن از طریق (واخان) مشک تبتی زیاد وارد میگردد. ازشمارنویسنده گان عرب در قرن دهم میلادی یکی هم المقدسی در موارد مختلفی راجع به بدخشان معلومات داده است: "بدخشان تا کشور ترکان طول کشیده، در قسمت بالایی تخارستان واقع گردیده است. در آن کانهای گوهری که به یاقوت مانند می باشد موجود است، که غیر آن دیگر در هیچ جایی چنین معدنیات وجود ندارد.

دامداری (رمة داری) همچون رشته مکمل اقتصاد در این ولایت از قدیم مورد توجه قرارداشت، خصوصاً در دشتها، تپه‌های خاکی و سطوح مرتفع کوهستان‌های بدخشان و تخارستان دارای رشد بیش‌تری بود، امانظر به ساحه وسیع علفچرها مردم محلی بدخشان مالداربه شمار نمیروند. زیرا دراین ولایت ۳۸۰۰۰۰ راس گوسفند عادی ۲۵۳۰۰۰ راس بز ۱۷۷۰۰۰ راس گاو و گاومیش- ۵۷۰۰۰ راس مرکب- هزار نفرشتر- ۲۱۰۰۰ راس اسب و ۲۲۱۰۰۰۰ قطعه طیور دراین ولایت تخمین زده شده اند (المقدسی، ۱۹۸۷، ص ۲۳۹).

پامیر - واخان گذرگاه مهم جاده ابریشم در دنیای باستان: شاهراه بزرگ ابریشم از قدیمی ترین بزرگراه کاروان رو در سرزمین واخان- بدخشان و باختر بگونه ایکه در طبیعت جیوفیزیکی پامیر- واخان و مناطق همجوار آن برشمردیم، از زمان باستان آغاز تا اعصار میانه فعال بوده است. این جاده بزرگ سرزمین کوهستانی بدخشان را به هندوستان، چین، مصر، بابل، آشور، روم، یونان و سرزمینهای ماد و فارس و سایر مناطق حوزه مدیترانه در غرب و شرق دور باهم پیوند میداد. باختر، تخارستان- بدخشان و سغدیانه در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند.

کاروان‌های تجارتی از بازارهای پرتنعم و پرمناخ این مناطق با اسب‌های تیز رفتار و شترهای معروف دوکوهانه تخاری و بلخی از شرق به غرب و بالعکس در رفت و آمد بودند. بزرگترین اثبات ما درین خصوص کاربرد و موجودیت مواد زینتی و ساختمانی سرزمین ما در کاخها و قصرهای با عظمت مصر، آشور و بابل بر علاوه بازیافتهای باستانشناسی می‌باشد.

منابع تاریخی مثل - تاریخ ایران باستان و تاریخ ماد از دیاکونوف و دیگران قدمت تاریخی استفاده از سنگ لاجورد بدخشان را تا زمانه‌های قدیمتر گسترش داده‌اند. کتزیاس مورخ یونانی در دوره باستان در پانین قرن پنجم و آغاز قرن چهارم پیش از میلاد) از موجودیت راههای آباد از هندوستان و باختر (تخارستان) معلومات داده‌است. که از "افسیس EPHEsus تا باختر و هند" طول دارد. این راه طولانی پرازکاروان بمثابة شبکه ای از میان شهرهای فراوانی میگذشته است. بازرگانان باختری و هندی باین راه مرزهای دولت هخامنشیان را تا آسیای صغیر (خرد) و یونان می پیمودند. این گونه معلومات در تفصیلات مورخان یونانی مثل کتزیاس، دیودورس، پلینی، گزنفون، پلوتارکس، فوتیوس و دیگران وجود دارد. دراین آثار به لشکرکشی‌های شاهان آشور به باختر (نین و تیگلات پیلسر) و مبارزات مردم باختر برهبری اوکسیارت و ضبط شدن سرزمینهای همجوار باختر از سوی کوروش کبیر معلومات جالب و مفید وجود دارند (پیانکوف، ۱۹۷۵، ص ۳۳).

براساس اطلاع همین منابع، سنگ لاجورد بدخشان LAPIS LAZULI در نوهزار سال پیش به سومر، آشور و مصر فرستاده میشده است. کهن ترین کان لاجورد که در تاریخ از نام برده می‌شود، کان لاجورد بدخشان است. تجارت سنگ لاجورد در پنجهزار سال پیش در شهر سوخته سیستان

رواج داشت و شمار زیادی سنگ لاجور بیش‌تر بصورت تراشه‌های زاید درین جایگاه بدست آمده است. این نکته نشان می‌دهد که سنگ لاجورد بدخشان، پس از استخراج به شهرسوخته برده شده و در آن‌جا با تراش پیراسته شده و سپس روانه شهرهای دیگر میشده است.

درکتیبه‌های آشوری آمده است که تیکلات پیلسر سوم پادشاه آشور در سده هفتم پیش از میلاد، مادها را در نزدیکی دماوند شکست داده و در نتیجه تعدادی اسب و مقداری ابزارهای مفرغی (در حدود ده تن) و قریب ده تن لاجورد بعنوان غرامت از مادها گرفت. در تاریخ ماد تالیف دیاکونوف آمده است که سنگ لاجورد در ماد استخراج نمیشد و مادها خود لاجورد را از بدخشان وارد می‌کردند. طبق روایات همین منابع تیکلات پیلسر که در قرن هشتم قبل از میلاد میزیست، اردوکشیهای به شرق ایران (بدخشان و تخارستان) تدارک دیده بود. معهذاً بعید به نظر نمی‌رسد که فرمانروایان قدرتمند آشوری بابلی تلاشهای درجهت قبضه کردن ولایات شرقی ایران انجام داده، ضمناً در اردوکشیهای خود باین خطه کامیابی‌های نیز کسب کرده و تا حدود معدن لاجورد در منطقه یمگان امتداد کوه‌های واخان بدخشان پیش رفته باشند (گیورگی، ۱۹۸۴ ص ۱۷).

باستان‌شناسان تخمین زده اند، که اهمیت راههای خشکه وابسته به درجه انکشاف مبادلات بازرگانی بود و به مناسبات منظم مدنی مردم دنیای قدیم می‌افزود. بطور مثال در شرق نزدیک و حدود آسیای میانه نشانه‌های لاجورد دیده می‌شود. که توسط آن سنگ بلور و لاجورد بدخشان را از هزاره چهارم پیش از میلاد به بسیاری از کشورهای آسیای غربی میبردند. در نتیجه تدقیقات جیولوژیکی و باستان‌شناسی در قلمرو بدخشان تاریخی، محل تثبیت حدود هشتاد معدن استخراج شده صورت گرفته است. که بدوره‌های قدیم منسوب گردیده اند. این خود از پیشینه‌ی برقراری شاهراه بزرگ ابریشم درین سرزمین شهادت می‌دهد. همین‌طور به اساس باز یافته‌های باستان‌شناسی استخراج و تجارت لاجورد را از ۴۵۰۰-۵۰۰۰ قبل شناسایی کرده اند. "باستان‌شناسان ضمن حفاریات مقبره ملکه شعباد ۳۰۰۰ ق م. واقع در بین النهرین مهره‌ها و جام‌هایی طلایی را پیدا نموده اند که درترینات آن‌ها از لاجورد بدخشان استفاده شده است. در شمال هند از خرابه‌های موهنجودارو نیز باستان‌شناسان اشیای لاجوری پیدا کرده اند. که بعقیده آن‌ها پنجهزار سال عمر دارند." جاده ابریشم در زمان هجوم یونانیها به بدخشان در سالهای ۳۲۸ قبل از میلاد از مسیر بدخشان به چین فعال بوده است، و احتمالاً اسکندر با استفاده از همین معبر به ختن گذشته است (غایب، ۱۹۹۹ ص ۹).

منابع دوره اسلامی نیز از رهگذار گوناگونی موجودیت جاده ابریشم را در بدخشان و تخارستان پس از برقراری دین اسلام روشن می‌سازند: جاده ابریشم از دومسیره بدخشان میرسید، و از طریق پامیر وارد مرزهای ختن میگردید. از مسیر جنوبی پاراپامیزوس که از قلمرو سلطنت کوشانیان در جنوب

هندوکش بود، این مسیر کاپیسا پایتخت تابستانی کوشانیان وارد دره پنجشیر میگردید و احتمالاً از دره پارنده یا گردنه خاواک به اندراب واز آن‌جا روانه باختر میشد، و هکذا در امتداد دره پنجشیر و کوتل انجمن به اسکاگر جرم وزیباک و باریکه واخان و پامیر منتهی میگردید و به چین می‌رفت. مسیر دیگر جاده ابریشم از بلخ در ساحل چپ دریای آمو به کهندژ (قلعه زال)، آرهن، ای خانم، نوچارا، چاه اب، گوردره، رزک، بندر الیکل و شیوه به شغان مسیر می‌گرفت. این دو راه در منطقه اشکاشم متصل با واخان با هم وصل شده و با عبور از همواریه‌های ساحلی واخان وارد گره‌گاه پامیر-واخان میشدند و به چین می‌رفتند.

راهب بودایی هندی دهرماگوپتا در سال ۵۹۰ از راه بدخشان به چین سفر نمود. او از کپیشه (کاپیسا) واز کوه‌های پربرف از ولایات پوتسیالا، باداچنه و تماشینادا گذشته به کیلاپنتا رسید و یک سال در آنجا بازماند. به عقیده ام. مندلیشتم که خبر مذکور را آورده است- باداچنه بی تردید (بدخشان) بود. این نام برای اولین بار در همین منبع چینی دقیقاً ذکر می‌گردد. (مندلیشتم، ۱۹۵۷، ص ۱۰۶).

لاجورد و رول آن در مراودات آریانا: در مراوداتی که آریانا در زمانه‌های قبل از تاریخ و اعصار باستان با تمدن‌های کهن جهان داشته یک چیز به نمایش گذاشته می‌شود. و روشنی می‌اندازد و هیچ کس از موجودیت آن انکار کرده نمی‌تواند و آن لاجورد هندوکش (آریاناویجه) بدخشان کنون است. قرار قول مورخین موجودیت معدن لاجورد در زمان‌های باستان به استثنای شمال شرق آریانا یعنی اطراف دامنه کوه‌های واخان بدخشان در هیچ نقطه دیگر زمین پیدا نمی‌شد، و محول طبیعی منحصر به کشور ما بود. این معدن قیمت بها در دره به مکان بدخشان در نزدیکی راه کران و حوالی (فرگامو) ادامه سلسله کوه‌های واخان وجود دارد و هنوز هم استخراج می‌شود. مدققین در مطالعات خویش چه در زمان‌های قبل التاریخ و چه در اعصار قدیم تاریخی هر جا که اثری از این سنگ قیمت بها یافته‌اند نتیجه چنین رفته‌اند که مراودات تجارتی و رفت و آمد میان همان نقطه و گوشه شمال شرقی کشور ما برقرار بود، اینک در سطور ذیل اول نقاط و طبقاتی را که لاجورد از آن پیدا شده با ذکر تاریخ آن خاطر نشان نموده و بعد در اطراف آن تبصره می‌کنیم:

۱- تپه سیالک نزدیک کاشان، از این جا اشیای کوچک لاجوردی از طبقه سوم به بعد پیدا شده و تاریخ آن به مناصفه اول هزار چهارم ق، م نسبت می‌شود؛

۲- سرزمین سومر، این جا از مقبره‌های شاهان سلسله ایور (حوالی اخیر هزار چهارم ق، م) یک عده ای زیاد اشیای طلایی و نقره‌ای به دست آمده که در آن قطعات و نگینه‌های لاجورد نصب است، هکذا از آبده‌ای موسوم به (علم) ارغنون هابی به دست آمده مزین که در آن صحنه‌های میتولوژی و داستانی را با صدف و عقیق سرخ و لاجورد زینت کرده‌اند؛

۳- در بین النهرین دراوایل دوره ظهور رسم الخط (حوالی ۳۰۰۰-۳۵۰۰ ق.م) از طبقه‌ای که آن را «جمدت نصر» گویند اشیای لاجوردی کشف شده است؛

۴- در سوز و طبقه چهارم تپه سیالک (قریب کاشان) از طبقه‌ای که پارچه‌های گل با نوشته‌های قبل تاریخ به دست آمده زیورات زیاده‌ترین با لاجورد کشف شد؛

۵- در مصر از مقبره توتان خامون Toutankhammon که تاریخ آن به حوالي ۱۴۰۰ ق.م نسبت می‌شود اشیای زیادی از سنگ لاجورد به دست آمده؛

۶- در عیلام از خزانه شوشیناک Chouchinak (حوالی ۱۱۰۰ ق.م) آثار لاجور یافت شده؛ از روی پاره ملاحظات فوق معلوم می‌شود که لاجورد حصص منتهالیه شمال شرقی آریانا در ۴ هزار سال ق.م یعنی بیش‌تر از ۶ هزار سال بیش‌تر از امروز در تمام کشورهای غربی آسیا از خاک‌های فارس گرفته تا وادی نیل انتشار یافته بود. در سرزمین سومر و بین‌النهرین و اراضی جنوب سواحل خزر و خلیج فارس که زیر نفوذ عیلامی آمده و در سه هزار کیلومتر عیلام در آنجاها قوت گرفته بود لاجورد معروف و عمومیت داشت و پیش از اینکه رسم الخط در بین النهرین در حوالي ۳۰۰۰ و ۳۵۰۰ ق.م ظهور کند، اشیای لاجوردی در طبقات مدنیت آن‌جا دیده می‌شود.

لاجورد و زیورات و اشیای لاجوردی در خاک‌های فارس و حوزه‌های دجله و فرات یعنی خاک سومر و عیلام محدود نماند، بل که به سرزمین فراعنه هم رسیده است. چنانچه طوری که اشاره کردیم از مقبره توتان خامون که تاریخ آن به ۱۴۰۰ ق.م نسبت داده می‌شود اشیای زیادی از سنگ لاجورد یافته‌اند.

پس لاجورد کوه‌های هندوکش بدخشان و وجود آن در نقاط مختلف آسیای غربی حتی در ۶ هزار سال قبل دلیلی است قاطع و آنچه در زمینه مدنیت‌های قبل تاریخ عصر «کلکولی تیک» آریانا و ارتباط آن با کشورهای غرب آسیا از راه واخان و عمومیت این مدنیت بزرگ از حوزه اندوس تا حوزه نیل نوشتیم همه را به صورت بارز و روشن تأیید می‌کند.

«بارتولد» در جغرافیای تاریخی خود از وجود لاجورد در ابنیه قدیم مصر و آشور صحبت کرده و به این نتیجه می‌رسد که در قدیم‌ترین ازمینه تاریخ میان آریاهای باختری و ساکنین کشورهای غربی آسیا و باشنده‌گان سواحل دریای سفید روابطی برقرار بود. مستند بر تاریخ‌های که بیش‌تر به صورت محقق معین کردیم گفته می‌توانیم که نه تنها در قدیم‌ترین زمانه‌های تاریخی بل که حتماً در دوره‌های قدیم ترکه جزء زمانه‌های قبل تاریخ محسوب شود روابط میان آریاهای باختری و کشورهای غرب آسیا برقرار بود (کهزاد، ۱۳۹۴ص ۳۳).

نتیجه‌گیری

اوستا، سرزمین «ایراناویجه» را در کنار رودخانه «وانگوهی دیتیا» معرفی می‌کند. بسیاری از محققان این رودخانه را با آمودریا منطبق دانسته‌اند که سرچشمه آن از ارتفاعات پامیر و اخان است. یکی از مهم‌ترین عواملی که بدخشان را در منابع تاریخی برجسته ساخته، عبور جاده تجارتي ابریشم و نیز لشکریان مهاجم میان آسیای شرقی و غربی از معابر کوهستانی شامخ و دره‌های ژرف پامیر است. این پرسش که با وجود سنگستان‌های صعب‌العبور و گذرگاه‌های دشوار، چرا مسیر کاروان‌ها از چنین مناطق پیچیده‌ای می‌گذشت، تنها با بررسی ویژگی‌های طبیعی، عوارض فیزیکی و موقعیت جغرافیایی پامیر، و اخان و بدخشان پاسخ می‌یابد. به روایت منابع تاریخی و معاصر، آریانا در مرکز آسیا قرار داشت و افغانستان در قلب آریانا واقع بود؛ چنان‌که قدما از آن با عنوان «ایراناویجه» در مرکز آسیا و «خوانیث» در مرکز ایراناویجه یاد کرده‌اند. از این‌رو، از روزگاران کهن، قافله‌های تجارتي و جهان‌گشایان شرق و غرب همواره در جست‌وجوی کوتاه‌ترین مسیر میان چین و جنوب شرق آسیا با ایران و سرزمین‌های حوزه بابل (خاورمیانه) و نیز میان آسیای میانه و هندوستان بودند.

برخی منابع، گشایش رسمی جاده ابریشم را به عنوان گذرگاه ارتباطی میان شرق و غرب آسیا به سال ۲۰۶ پیش از میلاد و در دوران امپراتوری «هان» چین نسبت داده‌اند. هدف امپراتور هان از رسمیت بخشیدن به این مسیر، گسترش روابط با «تخاریان» و تقویت نفوذ چین در آسیای مرکزی بود. از همین‌رو، در سال ۱۳۹ پیش از میلاد، نماینده خود، «چانگ‌چیان» (Zhang Qian)، را به تخارستان اعزام کرد. مأموریت وی به گشایش مسیر مستقیم و رسمی میان چین و سرزمین‌های غربی از طریق پامیر انجامید. رسمیت یافتن این جاده، تحول چشمگیری در زندگی مردم بدخشان و باختر پدید آورد و زمینه‌ساز گسترش روابط بازرگانی، سیاسی و فرهنگی میان دو بخش بزرگ آسیا شد؛ به گونه‌ای که کاروان‌های تجارتي از مسیر تخارستان عبور می‌کردند.

در مراداتی که آریانا، از دوران پیش از تاریخ تا اعصار باستان، با تمدن‌های کهن جهان برقرار کرده بود، یک حقیقت بیش از هر چیز جلوه‌گر می‌شود و هیچ پژوهشگری نمی‌تواند آن را انکار کند؛ و آن، لاجورد بدخشان، یا به تعبیر برخی منابع، لاجورد هندوکش ایراناویجه، است.

محققان در بررسی‌های خود، چه در دوره‌های پیش از تاریخ و چه در اعصار تاریخی، هرجا نشانی از این سنگ گران‌بها یافته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که میان آن منطقه و گوشه شمال شرقی افغانستان کنونی، یعنی بدخشان، روابط تجارتي و رفت‌وآمدهای مستمر برقرار بوده است.

منابع

- ابوریحان البیرونی. ۱۹۷۳. (مجموعه مقالات، پیام‌ها و راپورنهای (ص. ۷۶). کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ .
- آشتیانی، ا. ا. (۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م). تاریخ مغول: از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری (ص. ۳). تهران: انتشارات امیرکبیر .
- انجمن آریانا. (۱۳۳۴). دایره‌المعارف: قاموس جغرافیایی افغانستان جلد ۱ انصاری، س. م. (۱۳۹۴). (دانستی‌ها پیرامون جغرافیای عمومی افغانستان) صص. ۱۵۴-۱۸۷. بارتولد، و. و. (۱۹۳۰). (جغرافیای تاریخی ایران) (جلد ۱، ص. ۱۷۵). تهران: چاپخانه اتحادیه .
- البیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۴). مجموعه منتخبات (ص. ۷۶ .
- بیانکوف، ا. و. (۱۹۷۵). (آسیای میانه و تاریخ روشن دوره اتیک (عتیق) (صص. ۳۳-۳۵). دوشنبه .
- ترور، ک. و. (۱۹۴۰). مقاله مذکور. در آثار شعبه تہذیب و صنایع شرقی (جلد ۲، صص. ۷۱-۸۶. جغرافیای تاریخی و ترکستان نامه. (۱۳۶۶). جغرافیای تاریخی (صص. ۴۶۳-۴۷۰ و صص. ۱۷۵-۱۹۲). بارتولد.
- دارمستر، ج. (۱۸۹۵). (زند اوستا (ص. ۲۰، نوتہ ۳). آکسفورد: انتشارات آکسفورد.
- غایب، اف. (۱۹۹۹). بدخشان و پامیر در مسیر تاریخ. مجله علم و حیات، ۹-۴ .
- فردینانت. (۱۳۳۵). تاریخ ایران (جلد ۲، ص. ۴۸۹).
- کھزاد، ع. ا. (۱۳۹۴). (تاریخ افغانستان از ادوار قبل تا سقوط سلطه موری (جلد ۱). انتشارات امیری .
- مرادی، صاحب نظر. (۱۳۹۰). (بدخشان در تاریخ (جلد ۱، ص. ۶۶). کابل: انتشارات خیام .
- مقدس، ا. (۱۹۸۷). (احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (ص. ۲۹، ۲۳۹). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی .
- مندیلشتم، م. (۱۹۵۷). (مواد تاریخی و جغرافیایی ولایات پامیر و ماورای پامیرشناسی (جلد ۳، صص. ۱۰۶-۱۰۷). استالین‌آباد: چاپ انستیتوت تاریخ و اتنوگرافی، آکادمی علوم تاجکستان شوروی .